

معرفی منابع غیر فارسی انسان‌شناسی در چکیده‌های ایران‌شناسی

(۱۹۷۸-۱۹۸۸)
(بخش دوم)

در مجموعه مقالات بعدی، به گردآوری ژان پی یر دیگار (۲۱) محققین انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مورخ و جغرافی‌دان در مورد ایران و افغانستان مقالاتی ارائه می‌دهند و سعی در جستجوی مفهوم قومیت می‌نمایند. درک موقعیت کنونی اقوام و درک معنای آن از درون و بیرون هدف تشکیل سمینار و ارائه مقالات بوده است.

کتاب اوریول (۲۵) ۴۸ قوم ایرانی را در درون کشور ایران نشان می‌دهد. در کتاب فرانس (۲۲)، نقش سیاسی که اقلیت‌های قومی و مذهبی برای پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند پرداخته شده است. منتی (۲۴) به گروه‌های مسلمان که شامل ایرانی، هندی، ترک و عرب می‌باشد، از لیبی تا آسیای جنوب شرقی می‌پردازد.

26. Behn, W. *The Kurds in Iran. A Selected and Annotated bibliography.*

London, Mansell, 1977, 76 p.

«کردهای ایران: منابع منتخب و توصیفی»

27. Neriman, *Bibliografiya-y kitêb-î Kurdi*, (Bibliographie des Livres Kurdes),

publication de l'Académie Scientifique Kurde, Bagdad, 1977, 287 p., 400

files, 1000 ex.

«کتب کردی: منابع»

28. *Studia Kurdica / Motâleât-e kordi* N° 4 (Juin 1986), 105 p.

[Etudes Kurdes]

«تحقیقات کردی»

29. *Kurdish Times*, New York. Vol I, 1 (Spring 1986), 62 p.

«تایمز کردی»

30. Chaliand, G., Ghassemliou, A. R., Kendal, Nazdar, M., Roosevelt Jr., A.

et Vanly, I. C. *Les Kurdes et le Kurdistan, La question nationale kurde au Proche-Orient*, Paris, Maspéro, 1978, 354 p.

«کردها و کردستان»

31. [Ghaussy, Saadollah. «The role of Minorities in the Middle East: The case of Kurdish question». *AJAMES* 1, (1986), pp. 282–309].

«نقش اقلیت‌ها در خاورمیانه: مسئله کردها»

32. Pelletiere, Stephen C., *The Kurds, an unstable element in the Gulf*, Boulder, Westview Press, Westview Special Studies on the Middle-East, 1984, 220 p.

«کردها، عنصر ناپایدار در خلیج»

33. Sim, Richard, *Kurdistan, The search for recognition, Conflict studies*, The Institute for the study of conflict, N° 124, Londres, Novembre 1980, 24 p.

«کردستان: کوششی برای آنکه به رسمیت شناخته شود»

34. Van Bruinessen, M. M. Agha, *Shaikh and State (on the social and political organization of Kurdistan)*, s. l., n. d. (1978), XII–468 p., 16 pl., 15 cartes, 8 figures.

«آقا، شیخ و حکومت»

منابع و مأخذ «کردهای ایران» (۲۶) هر منبع را یا توضیح کوتاهی معرفی می‌کند. نریمان (۲۷) منابع و مأخذ دیگری در همین مورد را در بغداد چاپ می‌کند. او در یک کتاب قبلی (چاپ ۱۹۶۰) منابع سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۹۵۹ شامل ۱۲۵۴ منبع را معرفی کرده بود (۴۱۰ منبع) و این کتاب از سال ۱۷۸۷ تا ۱۹۷۵ را از نظر می‌گذراند و شامل ۱۲۵۴ منبع می‌باشد.

اولین شماره مجله *Studia Kurdica* (۲۸) بوسیله انستیتوی کردشناسی به زبان فارسی، عربی، کردی در ژانویه ۱۹۸۴ در پاریس چاپ شد.

Kurdish Times (۲۹) از بهار ۱۹۸۶، سالی دو بار در نیویورک چاپ می‌شود. شالیانند و دیگران (۳۰) از زمان بین‌المللی شدن مسئله کردها در قرن شانزدهم، کردها و کردستان را بررسی تاریخی، اقتصادی و سیاسی می‌کند. مقاله شماره ۳۱ بر کردها به عنوان یک اقلیت در خاورمیانه می‌پردازد. پلتیه (۳۲) مسئله سیاسی ملی‌گرایی کردها و ارتباطات بین‌المللی کردها را با روش روشن روزنامه‌نگارانه در کتابش توضیح می‌دهد. پایان‌نامه (۳۴) بافت اجتماعی - سیاسی کردستان ایران - عراق است که نتیجه دو سال تحقیق در منطقه می‌باشد.

پژوهش پیرامون اختلافات (*Conflict studies*) مجله‌ای است از مؤسسه‌ای به همین نام که یکی از بخش‌های جدیدالتأسیس رشته روابط بین‌الملل است. انسان‌شناسی نیز به این تحقیقات پرداخته و جایگاه مناسب تحقیقی و کارکردی نیز در آن دارد. یکی از شماره‌های این مجله مربوط به کردستان است (۳۳).

اقلیت‌های مذهبی ایرانی

35. Digard, J. P. «Perspectives anthropologiques sur l'Islam». *Revue*

Française de Sociologie, vol. XIX, N° 4, 1978, pp. 497-523.

«اسلام از دیدگاه انسان‌شناسی»

36. Fecharaki, P. Les Bahai de Nadjaf abad. *Revue de Géographie de l'Est*, 1-2, 1977, pp. 89-91.

«بهایانی‌های نجف‌آباد»

37. Loeb, L. D. *Outcaste: Jewish life in Southern Iran*. New-York; London; Paris: Gordon & Breach, 1977. xxv-328 p. - 1 dépli.: ill., carte, plan, tabl.; 24 cm. - (Library of anthropology). Bibliographie. Index.

«بیرون‌رانده‌ها: زندگی کلیعیان جنوب ایران»

38. Loeb, L. D. «Prestige and piety in the Iranian synagogue». *Anthropological Quarterly*, vol. 51, N° 3, 1978, pp. 155-161.

«حیثیت و دینداری در کنیسه ایران»

39. Menashri, David. «Khomeini's policy toward ethnic and religious minorities», in Milton J. Esman & Itamar Rabinovich eds., *Ethnicity, Pluralism and the State in the Middle East*. Ithaca & London, Cornell University Press, 1988, pp. 215-229.

«خط‌مشی امام خمینی در قبال اقلیت‌های قومی و مذهبی»

آنچه مربوط به دین زرتشت، آئین مزدک، صوفیگری و اسلام است، در اینجا بررسی نمی‌شود. ما به مقالات انسان‌شناسی در مورد مذهب و مذاهب کردستان می‌پردازیم. متأسفانه هیئت تحریریه چکیده‌های ایران‌شناسی در نظر نگرفته بود که آنچه در این زمینه مربوط به انسان‌شناسی می‌شود در این بخش بیاورد. کلیعیهای شیراز در کتاب و مقاله لوب (۳۸، ۳۷) مورد تحقیق بوده‌اند. منابع و مأخذ ذکر شده در این دو کتاب فوق قابل توجه است. سیاست امام خمینی در قبال اقلیت‌ها و اقوام موضوع مقاله دیوید مناشری است.

40. Chevalier, Michel, *Les Montagnards chrétiens du Hakkâri et du Kurdistan septentrional*, Paris, 1985, 418 p. (Publications du Département de Géographie de l'Université de Paris-Sorbonne, série N° 13).

«کوه‌نشینان مسیحی در منطقه حکاری و کردستان»

41. Guest, John S. *The Yezidis: A Study in Survival*. Londres, Kegan Paul International, 1987, XVIII-299 p., 32 pl., 2 maps.

«یزیدیها: تحقیقی پیرامون یک پایداری»

42. Hakim, Helkewt, *La confrérie des Naqshbandis au Kurdistan au XX^e siècle*, thèse de 3^e cycle, Université de Paris-Sorbonne, Paris IV, Juin 1983, 322 p.

«نقشبندیهای کردستان در قرن بیستم»

43. Hakem, H. *Conséquences politiques de l'apparition de la tariqa des Naqshbandis au Kurdistan au début du XIX^e siècle*. Mémoire pour le D.E.A. (dir. Jean-Paul Charnay), Université de Paris-Sorbonne, Paris IV, Paris 1980, 46 p.

«نتایج سیاسی ظهور نقشبندیهای کردستان در اوایل قرن نوزدهم»

44. *Yehudey Kurdistan: oraḥ ḥayyim, masoret ve-amanut*. Muzeyon Israel-ulam Goldmann-Schwartz. Yerusalayyim. qayyiz-ḥoref 1981-82. 272 pp. / *Les Juifs du Kurdistan: mode de vie, arts et traditions*. Musée d'Israël - salle Goldmann-Schwartz. Jérusalem. Été-automne 1981-82.

«کلیمیهای کردستان»

در منطقه کردستان در مورد مذاهب مختلف تحقیق به عمل آمده است. تحقیق ۲۰ ساله شوالیه (۴۰) در مورد مسیحیان کرد است که در دوران مختلف تاریخی در کوهستان و روستاهای کردستان، آسوریه و کلدانیه‌های منطقه را معرفی می‌کند. منابع و مآخذ این کتاب ۵۰ صفحه است. «بیزیدیه‌ها» (۴۱) جمعیت ۳۰۰۰ نفره قرن گذشته و ۱۵۰/۰۰۰ نفره امروز هستند که اغلب در کردستان سوریه، عراق، ترکیه و ارمنستان بسر می‌برند. این کتاب نیز منابع کاملی دارد. حکیم (۴۳، ۴۲) به طریقت نقش‌بندی می‌پردازد. او از منابع عربی، کردی، فارسی و غیره استفاده نموده این طریقت را از بدو تأسیس آن در قرن گذشته تا حال بررسی اجتماعی - سیاسی می‌کند. در کردستان کلیمی نیز موجود است و موزه اورشلیم نمایشگاهی در مورد جامعه کلیمیان کردستان ترتیب می‌دهد و همزمان این کتاب (۴۴) که یک تک‌نگاری در مورد زندگی روزمره کلیمیان است را به چاپ می‌رساند.

خویشاوندی

45. Aghajanian, A. «Family Type, Family Resources and Fertility among Iranian Peasant Women», *Social Biology*, 25, 3, 1978, p. 205-209.

«سنخ‌های خانواده، منابع و باروری زنان روستایی»

46. Aghajanian, Akbar. «Some Notes on Divorce in Iran», *Journal of Marriage and the Family* 48, 4 (Nov. 1986), pp. 749-755.

«نکته‌هایی در مورد طلاق در ایران»

47. Ajami, I. *Differential fertility in Peasant communities. A study of six Iranian villages. Commoners, Climbers and Notables. A sampler of studies on Social ranking in the Middle East*, C.A.O. Van Nieuwenhuijze, éd., Leiden, Brill, 1977 (xi-412 p. *Social, Economic and Political studies of the Middle East*, vol. 21), pp. 391-408.

«باروری افتراقی در چند جامعه روستایی»

48. Behnam, Djamchid. «L'impact de la modernité sur la famille musulmane», in: *Familles musulmanes et modernité, le défi des traditions*, D. Behnam et S. Bouraoui eds. Paris, Publisud, 1986, pp. 33-65.

«اثر نوسازی بر خانواده مسلمان»

49. Behnam, Djamchid et Bouraoui, Soukina eds. *Familles musulmanes et modernité, le défi des traditions*. Paris, Publisud, 1986, 278 p.

«خانواده مسلمان و نوسازی»

50. Digard, J. -P. «The segmental system: native model or anthropological construction? Discussion of an Iranian example», in W. Weissleder (ed.), *The nomadic alternative, modes and models of interaction in the African-Asian deserts and steppes*. The Hague-Paris, Mouton (World Anthropology), 1978, pp. 315-317.

«نظام‌های منقطع: الگوی بومی یا ساخت انسان‌شناسانه؟ بحثی در مورد ایران»

51. Mandanipour, Chideh, *Sociologie de la famille dans la tribu Boyer Ahmadi (sud-ouest de l'Iran)*, thèse de doctorat de 3^e cycle en anthropologie sociale et culturelle (dir.: A. Adam), Paris, Université René Descartes, 1984, 366 p. + annexes. «جامعه‌شناسی خانواده در عشایر بویراحمد»

52. Moini, Réza. «Quelques aspects du ménage et de la famille en Iran». *Les familles d'aujourd'hui, démographie et évolution récente des comportements familiaux, Colloque de Genève, 17-20 Septembre 1984*. Paris, Association Internationale des Démographes de Langue Française, 1986, pp. 308-319. «برخی جنبه‌های فعالیت‌های خانگی در خانواده»

53. Nassehi-Behnam, V., «Change and the Iranian family», *Current Anthropology*, 26, 5 (Dec. 1985), pp. 557-562. «تغییر و خانواده ایرانی»

54. Nassehi-Behnam, Vida. «La famille iranienne face aux changements», in: *Familles musulmanes et modernité, le défi des traditions*, Dj. Behnam et S. Bouraoui eds. Paris, Publisud, 1986. «خانواده ایران در برابر تغییر»

55. [Paydarfar, Ali A. «Marital Fertility and Family Structure Among the Urban Population of Iran». *Journal of Comparative Family Studies* 18, 3 (1987), pp. 389-402, 1 carte, 7 tabl., 1 fig.]

«باروری و ساخت خانواده در میان یک جمعیت شهری ایران»

56. [Saroukhani, B. «Dower (Mahriyeh): A Tradition in Mate selection in

«مهریه، رسمی در همسرگزینی در ایران»

57. Vasseur-Babaï Hemmati, F. *Les mariages bi-ethniques franco-iraniens à Téhéran (enquête 1978–1979)*. Thèse de 3^e cycle en sciences sociales du Moyen-Orient contemporain. Paris, École des Hautes Études en Sciences Sociales, 1979, 227 p., tabl., bibl.

«ازدواج‌های دو فرهنگی ایرانی – فرانسوی در تهران»

خویشاوندی یکی از ارکان تحقیقات انسان‌شناسی فرهنگی است، و این یکی از ضعیف‌ترین بخش‌های این تحقیقات در ایران است. مقالاتی که در بالا آمده‌اند اغلب مقالات جمعیت‌شناسی (آقاجانیان، عجمی، معینی) و یا جامعه‌شناسی (بهنام، ناصحی – بهنام) که با مدل سنتی / مدرن به خانواده نگاه کرده است. دیگر (۵۰) متأسفانه مجدداً فقط در دو صفحه به موضوع نگریسته، پایان‌نامه‌ی مندنی‌پور (۵۱) مطلب تازه‌ای در مورد خانواده ارائه نداده است، ظاهراً پایان‌نامه‌ی جامعه‌شناسی واسر – بابائی (۵۷) که به خانواده‌ی ایرانی – فرانسوی در سال ۱۹۷۹ پرداخته مستحکم‌ترین تحقیق در این زمینه است.

۷۷

یکی از ارکان حیات در ایران خویشاوندی است. هرچند مدرنیسم فشار بر خانواده‌ی سنتی ایرانی وارد آورده تا خانواده‌ی هسته‌ای را به وجود آورد، اما مفهوم و حیات «قوم» همچنان مستحکم است و اثر ارتباط خویشاوندی در تمام ارکان «مدرن» کشور نیز دیده می‌شود. خویشاوندی آنچنان در اذهان جای مستحکمی دارد که محققین هنوز نتوانسته‌اند از آن فاصله بگیرند و بصورت عینی در مورد آن تحقیق نمایند. برخی از سؤال‌های مهم در این زمینه عبارتند از: نظام خویشاوندی ایران در تقسیم‌بندی انسان‌شناسی نظام کدام است؟ آیا فرقی میان نظام‌های شهری، روستایی و عشایری موجود است؟ چه مفاهیمی برای نشان دادن فرق‌ها و شباهتها می‌توان پیشنهاد نمود؟

چگونه است که برخی از خاندانها صدها سال پایدار می‌مانند ولی بسیاری از آنها پس از چند نسل مجزا می‌گردند؟ اهمیت ارشدیت در خانواده‌ی ایرانی چیست؟ جایگاه کوچکترین فرزند کدام است؟ قانون ارث در حفظ خاندان چه اثری دارد؟ اهمیت خویشاوندی در درک مفهوم «رابطه» در نظام دیوان‌سالاری ایران چیست؟ ... تصمیم‌گیری برای ازدواج به عهده‌ی کدام جنس از کدام نسل است؟ جایگاه خانواده در شرکتهای تجاری جدیدالتأسیس کدام است؟

فعل و انفعالات اقتصادی در تدارک و انجام ازدواج کدام است و اهمیت آن برای حفظ یا تضعیف خانواده‌ها چیست؟ ... پس از این تحقیقات می‌توان به جایگاه زن در چارچوب نظام خویشاوندی ایران پرداخت: مدرنیسم چه اثراتی بر نقش زن در این چارچوب داشته است؟ در چه مواردی زنان پایگاه سنتی را ترجیح داده‌اند و در کجا مدرنیسم به نفع آنهاست؟ غیره و غیره.

از اواخر سالهای ۱۹۷۰ «زنان» عناوین بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. کدی (۶۴) در مقاله‌اش به مسائل و کمبودهای تحقیقات در زمینه زنان خاورمیانه اشاره می‌کند. اغلب مقالات مربوط به عشایر در مورد عشایر لر می‌باشد. فاضل (۵۹) و فریدل (۶۲)، ۶۱، ۶۰): بویراحمد. شهشهایی (۶۵، ۶۶، ۶۷) و رایت (۷۰، ۶۹): عشایر ممسنی، مقاله بک در مورد قشقایی‌هاست. مقاله تاپر (۶۸) در مورد شاهسون‌ها می‌باشد. کتاب هانسن (۶۳) مربوط به زنان روستایی کرد است.

58. Beck, L. «Women among Qashqa'i Nomadic Pastoralists in Iran». Beck and Keddie, eds. *Women in the Muslim World*, Harvard Univ. Press, Cambridge, 1978, 698 p. (cf. *Abst. Ir.* 2, N° 158) III-17, pp. 351-373.

«زنان در میان عشایر کوچ‌رو قشقایی»

59. Fazel, G. R. Social and Political Status of Women among pastoral nomads: the Boyr Ahmad of Southwest Iran. *Anthropological Quarterly*, 50, 2, (1977), pp. 77-89.

«رتبه اجتماعی - سیاسی زنان در جامعه عشایر کوچ‌رو بویراحمد»

60. Friedl, E. «Islam and Tribal Women in a Village in Iran», Falk, N.A. and R.M. Gross, eds. *Unspoken Worlds, Women's Religious Lives in Non-Western Cultures*, Harper and Row Publishers, 1980, chapter 10, pp. 159-173.

«اسلام و زنان عشایری در یک روستای ایران»

61. Friedl, E. «Women and the Division of Labor in an Iranian Village». *Merip Reports*, 95, (March-April 1981), pp. 12-19.

«زنان و تقسیم کار در یک روستای ایرانی»

62. Friedl, E. «Women in Contemporary Persian Folktales». Beck and Keddie. *Woman in the Muslim World ...* pp. 629-650.

«زنان در داستان‌های عامیانه کنونی»

63. Hansen, H. H. *Kiçani Kurd (Gesték le naw afirêfi musulman le Kurdistan) Femmes Kurdes (voyage parmi les femmes musulmanes du Kurdistan)* trad. de l'anglais par Naci Ebbas Eħmed - Publications de l'Académie des Sciences de l'Irak-Bagdad, 1980, 208 p., 500 fils.

«سفری در میان زنان مسلمان کرد»